

اگرچه نیت خوبی است زیستن ...
اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم!

 www.konkursara.com

 ۰۲۱۵۵۷۵۶۵۰۰

دانلود بهترین جزوات در

کنکورسرا

کنکورسرا

مرجع تخصصی قبولی آزمون فرهنگیان و آزمون استخدامی آموزش و پرورش

فصل اول : فلسفه و ابعاد آن

درس ۱ : چیستی فلسفه شامل مباحث :

- انسان و تفکر
- دو مرتبه از تفکر
- دانش فلسفه
- واژه فلسفه
- ویژگی های فلسفه

درس ۲ : ریشه و شاخه های فلسفه شامل مباحث :

- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه
- شاخه های فلسفه

درس ۳ : فلسفه و زندگی شامل مباحث :

- معنای زندگی
- برخی فواید تفکر فلسفی

درس ۴ : آغاز تاریخی فلسفه شامل مباحث :

- فلسفه در یونان
- سوفیست ها

درس ۵ : زندگی بر اساس اندیشه شامل مباحث :

- سقراط در برابر دادگاه

درس اول فصل اول : چیستی فلسفه

- ۱- از هر کسی بپرسید که **چقدر به حفظ زمین اهمیت می دهی**، می گوید: حفظ زمین اهمیت ویژه دارد.
 - با این وجود دانشمندان می گویند، تنها موجودی که زمین را تهدید می کند، نوع بشر است.
 - دانشمندان می گویند **بشر از طریق ایجاد جامعه های صنعتی**، مصیبت های بزرگی برای محیط زیست پدید آورده است و در همین صد سال اخیر نسل میلیون ها گیاه و حیوان منقرض شده و دیگر خبری از آنها نیست.
- ۲- از هر کسی درباره **عدالت** بپرسید، خواهد گفت **مهم ترین عامل دوام و بقای جامعه عدالت** است.

در عین حال همه جوامع در طول تاریخ از بی عدالتی در رنج بوده و بسیاری از مردم برای رسیدن به عدالت فداکاری کرده اند اما به آن نرسیده اند.

 - **اندیشمندان** در پی آن بوده اند که بدانند **چرا این تناقض در گفتار و عمل افراد وجود دارد**. در این باره نظرهایی هم داده اند.
 - ✓ آیا اصولاً نوع بشر در تخریب زمین مقصر است؟
 - ✓ مگر انسان چه خصوصیتی دارد که چنین می کند؟
 - ✓ نظر شما در این باره چیست؟
 - ✓ اما واقعا ریشه این تناقض در کجاست؟
 - ✓ آیا انسان ها با آن چیزی که دوست دارند، دشمنی می ورزند و از آن فرار می کنند؟
 - ✓ آیا شما می توانید به این سؤال ها پاسخ قانع کننده بدهید؟
- ۳- برخی می گویند **نظریه های علمی پیوسته تغییر می کنند**؛ برای مثال
 - زمانی دانشمندان عقیده داشتند که هر جسمی یک حقیقت توپُر و متصلی است که اشیای ریز هم نمی توانند از آن عبور کنند.
 - **در قرن بیستم**، دانشمندان گفتند اجسام از اتم های بسیار کوچکی تشکیل شده که با چشم قابل دیدن نیست. آن اتم ها هم از دو هسته و الکترون تشکیل شده و الکترون به دور هسته می گردد، چیزی شبیه به منظومه شمسی. پس فاصله زیادی میان الکترون و هسته هست و در این فاصله چیزی نیست. پس اجسام، اشیای متصل و توپُر نیستند.
 - بعدها معلوم شد که علاوه بر ماده، انرژی هم وجود دارد و ماده و انرژی، با هم عالم طبیعت را می سازند. اینان می گویند ممکن است دانشمندان در آینده به هر چیز دیگری معتقد شوند؛ علم یک قرن بعد ممکن است زمین را مسطح و خورشید را دور زمین قرار دهد!
 - ✓ راستی، آیا جریان علم مبتنی بر احتمالات پیش می رود؟
 - ✓ پس حقیقت چگونه به دست می آید؟
 - ✓ نظر شما در این باره چیست؟ آیا خودتان هم قبلاً در این مسائل اندیشیده اید؟
 - ✓ این قبیل سؤال ها در کدام علم باید بررسی شوند؟

- انسان در زندگی روزانه خویش، معمولاً با مسئله‌هایی روبه‌رو می‌شود و به حل آنها می‌پردازد، مانند: امروز چه لباسی بپوشم، کدام کار را اول انجام دهم، چه غذایی بخورم و درباره کارم با چه کسی مشورت کنم.
- اما در میان انبوه افکار و اندیشه‌های روزانه، گاه و بی‌گاه سؤال‌های خاصی خودنمایی می‌کنند که می‌توانند ساعاتی طولانی ما را به خود مشغول سازند و به تفکر وادار نمایند، از قبیل اینکه:
 - ✓ مقصود ما از آزادی چیست؟
 - ✓ از برابری چه منظوری داریم؟
 - ✓ آیا اصولاً می‌توان آزادی را با برابری جمع کرد؟
 - ✓ اگر هرکس آزاد باشد هر طور که می‌خواهد زندگی کند، آیا نتیجه این نخواهد شد که آدم‌ها در وضعیت نابرابر قرار گیرند؟
 - ✓ چرا درد و رنج هست؟ خوشبختی و سعادت در گرو چیست؟ آیا می‌توان به آن رسید؟
 - ✓ سرانجام ما انسان‌ها چه می‌شود؟ آغاز و انجام جهان چگونه است؟
 - ✓ عشق و دوستی چطور؟ آیا اینها امور واقعی و مقدس‌اند؟ یا امور خیالی و ذهنی؟
 - ✓ اصولاً انسان و حقیقت انسانی چیست؟ آیا اختیار دارد یا مجبور است؟
 - ✓ چه هدفی را باید در دنیا دنبال کرد؟

انسان و تفکر

- یکی از ویژگی‌های انسان پرسشگری است.
- کودکان در همان سنین ابتدایی از حوادث پیرامون خود سؤال می‌کنند و کنجکاوی خود را با گفتن کلمه «چرا» به پدر و مادر خود نشان می‌دهند.
- هر سؤالی که برای ما پیش می‌آید، گویای آن است که چیزی را نمی‌دانیم و به دنبال دانستن آن هستیم.
- وقتی که از خود می‌پرسیم «امروز به کجا باید بروم به کتابخانه یا به ورزشگاه و یا» بدین معناست که هنوز نمی‌دانیم کدام را باید انتخاب کنیم و به دنبال دانستن آن هستیم.
- تفکر، واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش‌ها به پاسخ‌هاست.
- با قدرت تفکری که خداوند در وجود ما قرار داده، پاسخ سؤال‌ها را می‌یابیم و امور روزانه خود را سامان می‌دهیم. پس می‌توان گفت که بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست.
- مراحل اندیشه‌ورزی و تفکر در انسان به صورت زیر است:



دو مرتبه از تفکر

▪ « تفکر غیر فلسفی » :

زمانی که انسان با همان سؤال های معمولی و روزانه روبه روست و به دنبال پاسخ آنهاست. (مرحله اول تفکر)

▪ « تفکر فلسفی » :

اگر انسانی از مرحله اول تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤال های دسته دوم (سوال های اساسی و بنیادی) پرداخت، وارد مرتبه دوم تفکر شد.

این انسان، ممکن است یک کارگر یا فیزیک دان یا پزشک یا دانشجو و دانش آموز باشد، اما همین که وارد این وادی شد و چنین پرسش هایی (اساسی و بنیادی) را جدی گرفته و به دنبال یافتن پاسخ برآمده، در حال تمرین « تفکر فلسفی » است.

▪ مراحل تفکر فلسفی نیز به صورت زیر است :



دو قلمرو فطرت نزد ملاصدرا

▪ « فطرت اول » :

مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها

▪ « فطرت دوم » :

ورود به پرسش های اساسی و تفکر در آنها (مرحله عالی و برتر)

✓ ملاصدرا ماندن در فطرت اول را شایسته انسان نمی داند و از انسان ها می خواهد که بکوشند از

فطرت اول عبور کنند و به فطرت ثانی که مرحله ای برتر و عالی تر است، برسند.

دانش فلسفه

بدون در دست داشتن پاسخ درست و قانع کننده برای سوال های اساسی و بنیادی، تصمیم گیری های انسان به نتیجه و سرانجام روشنی نخواهد انجامید.

تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند (به سؤال های اساسی) موجب ظهور دانش «فلسفه» گشته است

دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند سؤال های اساسی و بنیادی است .

از همان آغازین روزهای حیات فکری انسان، افرادی به اهمیت پرسش های ویژه و اساسی پی بردند و با دقت و تأمل فراوان، برای دستیابی به پاسخ صحیح تلاش کردند.

واژه فلسفه

لفظ فلسفه ریشه یونانی دارد.

این لفظ عربی شده کلمه « فیلسوفیا » است .

« فیلسوفیا » مرکب از دو کلمه « فیلو » به معنی دوستداری و « سوفیا » به معنی دانایی است.

پس کلمه فیلسوفیا به معنی « دوستداری دانایی » است .

واژه فلسفه در آن زمان ها اختصاص به این دانش خاص نداشت و همه دانش ها را شامل می شد.

کسی که این واژه را بر سر زبان ها انداخت و عمومی کرد، فیلسوف بزرگ یونان « سقراط » بود .

دانشمندان زمان سقراط و قبل از او ، خود را « سوفیست » یعنی دانشمند می خواندند.

ممکن است بپرسید چرا سقراط نیز خود را « سوفیست » نخواند و از لفظ فیلسوف که به معنی دوستدار

دانش است استفاده کرد؟

توضیح علت نام گذاری :

- دغدغه برخی از سوفیست ها، که بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود.
- سوفیست ها، پیروزی بر رقیب را مهم ترین هدف می دانستند و از این رو در استدلال های خود بیشتر از مغالطه کمک می گرفتند که به ظاهر درست به نظر می رسید، اما در واقع غلط بود.

دیدگاه سوفیست ها :

- این رویه به تدریج سبب شد که این گروه از دانشمندان برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نباشند و بگویند هر کس هر چه خودش می فهمد همان حقیقت و واقعیت است.

تغییر معنی کلمه سوفیست :

- بعدها کلمه سوفیست (دانشمند) مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم مغالطه کار به خود گرفت و کلمه « سفسطه » هم که در زبان عربی از لفظ « سوفیست » گرفته شد، معنای مغالطه کاری پیدا کرد.

دلایل سقراط برای انتخاب لفظ فیلسوفوس :

▪ سقراط به سبب

✓ تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم

✓ و شاید به خاطر هم ردیف نشدن سوفیست ها

مایل نبود او را « سوفیست » یا دانشمند بخوانند و از این رو خود را فیلسوفوس (فیلسوف) یعنی دوستدار دانش نامید.

- رفته رفته کلمه فیلسوف به مفهوم دانشمند ارتقا پیدا کرد .

- کلمه فلسفه نیز مترادف با دانش شد.

- با گذشت زمان و پیشرفت دانش های مختلف، بر هر یک از شاخه های دانش نام ویژه ای گذاشته شد و

به تدریج کلمه فلسفه فقط برای همین دانش خاص به کار رفت.

فلسفه به معنای دانش خاص

فلسفه به معنای مطلق دانش

فلسفه به معنای دوستداری دانایی

ویژگی های فلسفه

- دانش فلسفه چه تفاوتی با سایر دانش ها دارد؟ مرز و حدود این دانش کجاست؟
 - کدام گفت و گو را گفت و گویی فلسفی می نامند؟
 - مسائل فلسفی کدام اند و چگونه از مسائل دیگر علوم جدا می شوند؟
- برای پاسخ به سؤال های بالا، می گوئیم که اساساً هر دانشی از دو جهت از سایر دانش ها متمایز و جدا می شود:
- (۱) از جهت موضوعی که آن دانش درباره آن بحث می کند.
 - (۲) از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می گیرد.

تفاوت علوم مختلف و فلسفه

۱- موضوع فلسفه، بنیادی ترین موضوعات

▪ موضوع بحث علوم مختلف :

- ✓ هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می کند.
- ✓ دانش ریاضیات درباره مقدار و کمیت است.
- ✓ شیمی درباره ساختمان مواد و ترکیب میان آنهاست.
- ✓ اخلاق درباره چگونگی کسب فضیلت ها و دوری از بدی هاست.
- ✓ سایر علوم هر کدام به موضوعی خاص از میان موضوعات جهان زندگی انسان می پردازند و بحث می کنند

▪ موضوع بحث فلسفه :

- ✓ فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین موضوعات جهان و انسان است و پاسخ گوی عمیق ترین دغدغه های بشری است.
- ✓ فیلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند و اینها اموری هستند که پایه و اساس سایر علوم به شمار می آیند.

۲- استفاده از روش عقلی و استدلالی

- ابتدا به این مسئله ها توجه کنید:
 - ۱- مجموعه زوایای مثلث چند درجه است؟
 - ۲- چرا هوا معمولاً در زمستان سرد می شود؟
 - ۳- چرا در اکثر کشورها طلاق افزایش یافته است؟
 - ۴- چرا هر حیاتی پایانی دارد؟
 - ۵- آیا جهان ابتدا و انتها دارد؟
- برای کسب دانش در علومى مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی، اقتصاد و جامعه شناسی از روش های تجربی استفاده می کنیم.
- در مسائل فلسفی که به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند، نمی توان از حواس یا آزمایش بهره برد و یا از ابزاری مانند میکروسکوپ و تلسکوپ کمک گرفت.
- در مسائل فلسفی فقط باید به توانایی عقل و استدلال های عقلی تکیه کرد و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شد.
- مسائل فلسفی، از جهت روش، مانند مسائل ریاضی هستند که استفاده از حواس و ابزار به حل آنها کمک نمی کند و فقط با عملیات فکری و استدلالی باید به جواب مسئله ها دست یافت.

پاسخ فعالیت های درس اول

▪ مقایسه ص ۴ (صرفا برای فعالیت کلاسی و مستمر مورد استفاده قرار گیرد)

- ۱- آیا میان این سوال ها و سوال های مربوط به زندگی روزمره، تفاوتی می بینید؟ می توانید آن تفاوت را ذکر کنید؟
با توجه به اینکه هنوز دانش آموزان به صورت منطقی تفاوت فلسفه با سایر علوم و مسائل روزمره را نمی دانند، و ممکن است پاسخ های اشتباهی دهند پس پاسخ دقیق به این سؤال ها در این مرحله از درس ضروری نیست. پاسخ های زیر گرچه دقیق نیستند اما آنها را از دانش آموزان قبول کنید :
این مسئله ها اهمیتی از مسائل روزمره بیشتر است . این مسئله ها پایدارترند . این مسئله ها کلی تر و اساسی تر هستند . این مسئله ها مشترک میان عموم انسانهاست .
- ۲- به نظر شما از میان سؤال هایی که مطرح شد، کدام یک مهم تر است؟ (تا سه مورد را انتخاب کنید).
به احساس، سلیقه، نوع انتخاب، نوع تفکرات و تأملات خاص دانش آموزان مربوط می شود .
- ۳- آیا سؤال های مهم تر و اساسی تری نیز به نظر شما می رسد که قابل طرح باشد؟ چند مورد را ذکر کنید.

▪ خودارزیابی ص ۵ و ۶ (صرفا برای فعالیت کلاسی و مستمر مورد استفاده قرار گیرد)

- ملاصدرا، فیلسوف بزرگ قرن دهم و یازدهم هجری می گوید مردم بر دو دسته اند : « واقف » (ایستاده) و « سائر » (رونده) « واقف » کسی است که به همین دانش ظاهری دل خوش کرده و متوقف شده و دروازه جهان بزرگ و برتر به رویش گشوده نشده است . او فقط از شنیده ها بهره می برد و کارش تقلید از دیگران است . اما « سائر » اهل حرکت و پویایی است و به شنیده ها بسنده نمی کند . او در تلاش است که از تنگنای ظواهر و محسوسات عبور کند و به جهان وسیع معقولات راه یابد . او همواره در تکاپوست . اقبال، شاعر پارسی گوی معاصر پاکستان، می گوید :
- ساحل افتاده گفت گرچه بسی زیستم
هیچ نه معلوم شد، آه، که من کیستم
موج ز خود رفته ای تیز خرامید و گفت
هستم اگر می روم، گر نروم نیستم
در این دو بیان فیلسوفانه و شاعرانه تأمل کنید و بگویید :
- ۱- چه شباهت هایی میان این دو بیان وجود دارد؟

هم نزد **ملاصدرا** و هم نزد **اقبال** مردم بر **دو** دسته اند : **ملاصدرا** از دسته نخست به عنوان « **واقف** » یاد می کند و **اقبال** از آن بعنوان « **ساحل** » . این دسته از انسانها ایستاده و راکداند، مانند این است که نیستند. هستند، اما هستی انسانی ندارند اما دسته دوم که نزد **ملاصدرا** به « **سائر** » و نزد **اقبال** به « **موج** » تعبیر شده اند ، انسان هایی هستند که زندگی واقعی انسانی دارند ، موج وار زندگی می کنند و در پویایی و رفتن و حرکت اند.

پس ملاصدرا و اقبال با دو شیوه بیان یک مطلب را عرضه می کنند. همانطور که عرفا گفته اند « **ان الالفاظ و ان اختلاف**

مقاربه المعنی » یا به تعبیر **امام خمینی (ره)** یک **مطلب** اگر با **زبانهای مختلف** بیان شود باز **همان مطلب** است.

۲- روحیه خود را نزدیک به کدام یک می یابید : « واقف » ؟ « سائر » ، « ساحل افتاده » یا « موج ز خود رفته »

دانش آموزان را نباید به پاسخ این سوال مجبور کرد . چنانچه دانش آموزی تمایل به بیان روحیه خود است این امکان برای او فراهم شود.

▪ تفکیک ص ۹

قبل از پاسخ به سؤالات فوق، سؤال های زیر را به دقت مطالعه کنید و ببینید آیا می توان گفت برخی از آنها تفاوت خاصی با بقیه سؤال ها دارند؟ آنها را در دسته «الف» قرار دهید و بقیه را به دسته «ب» ببرید.

ردیف	سوال ها	الف	ب
۱	دلیل پیدایش انقلاب صنعتی در اروپا چه بود؟		تاریخی
۲	آیا تنها جهان موجود، همین جهان مادی و طبیعی است؟	فلسفی	
۳	خداوند چند رکعت نماز را بر ما واجب کرده است؟		فقهی
۴	دلیل حمله اسکندر مقدونی به ایران چه بود؟		تاریخی
۵	آیا هر چیزی دارای علت است؟	فلسفی	
۶	آیا زیبایی حقیقت دارد یا ساخته ذهن ماست؟	فلسفی	
۷	پیرشدن سلول ها در اثر کدام عامل شیمیایی است؟		شیمی
۸	آیا می توانیم به اختیار خود موجود شویم؟	فلسفی	

▪ تفکر ص ۱۰

به این مسئله ها توجه کنید :

- ۱- مجموعه زوایای مثلث چند درجه است؟
- ۲- چرا هوا معمولاً در زمستان سرد می شود؟
- ۳- چرا در اکثر کشورها طلاق افزایش یافته است؟
- ۴- آیا هر حیاتی پایانی دارد؟
- ۵- آیا جهان ابتدا و انتها دارد؟

همان طور که در کتاب منطق آموخته اید، برای رسیدن به علم معمولاً از روش هایی چون تجربه و استقرا و نیز قیاس و استدلال استفاده می شود. توضیح دهید که درباره هر کدام از این مسئله ها با کدام روش می توان تحقیق کرد و به نتیجه رسید.

سؤال اول یک سؤال ریاضی است. در ریاضیات از اقسام استدلال های قیاسی استفاده می شود. پس ریاضیات از نظر روش شبیه به فلسفه است، اما از نظر موضوع با آن متفاوت است. (استدلال قیاسی)

سؤال دوم یک سؤال در حوزه علوم طبیعی است و لذا باید از تجربه و استقراء استفاده کرد. (استدلال استقرانی و تجربی)
سؤال سوم یک سؤال مربوط به حوزه علوم انسانی است که باید از طریق استقراء به پاسخ آن رسید. (استدلال استقرانی و تجربی)

سؤال چهارم نیز یک سؤال فلسفی است درست است که ما به تجربه می بینیم که انسان ها و حیوان ها حیاتشان موقت است و پایانی دارد. اما وقتی می پرسیم که «آیا هر حیاتی پایانی دارد» این سوال را نمی توان این تجربه ها پاسخ داد. می دانیم که خداوند هم حیات دارد، فرشتگان هم حیات دارند، اما حیات آنها پایان ندارد. (استدلال قیاسی)

سؤال پنجم نیز یک سؤال فلسفی است زیرا درباره کل هستی سؤال می کند و یک سؤال بنیادین است. کل هستی در ظرف تجربه و آزمایش قرار نمی گیرد. (استدلال قیاسی)

▪ به کار ببندیم ص ۱۰

۱- کدام یک از افراد زیر بیشتر اهل تفکر فلسفی هستند؟ گزینه ب درست است .

الف) کسی که پاسخ فیلسوفان در ارتباط با سؤالات اساسی، را به خوبی آموخته و توضیح می دهد.

ب) کسی که در آرای فیلسوفان می اندیشد و دلایلی را که به نظر خودش، محکم است، انتخاب و ارائه می کند.

۲- برای درست فکر کردن و قرار گرفتن در مسیر درست تفکر فلسفی نیاز به برداشتن گام هایی است. این گام ها به صورت . نامرتب قرار گرفته اند؛ با توجه به نظر خود، آنها را به ترتیب بازنویسی کنید.

ارائه استدلال صحیح - جست و جوی پاسخ برای سؤالات - داشتن معیار برای پذیرش پاسخ - آگاهی از مجهولات و ندانسته های خود

پاسخ ترتیب مسیر درست تفکر:

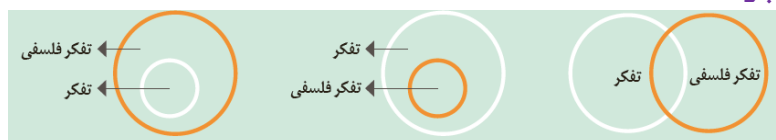
آگاهی از مجهولات و ندانسته ها ، جست و جوی پاسخ برای سؤالات ، ارائه استدلال صحیح ، داشتن معیار برای پذیرفتن پاسخ

۳- نکات اساسی مربوط به هر یک از عناوین درس را استخراج و در جدول زیر یادداشت کنید. سپس یادداشت های خود را با دیگران مقایسه نمایید .

عنوان	نکات اساسی
تفکر فلسفی	برخی انسان ها توجهشان به مسئله های فلسفی جلب نمی شود برخی انسان ها از سؤال های معمولی عبور می کنند و اهل تفکر در مسئله های فلسفی هستند ورود به تفکر فلسفی یکی از نشانه های تکامل فکری انسان است.
فلسفه	فلسفه یک دانش ویژه است که قوانین خاص خود را دارد. کسی می تواند به سؤال های فلسفی پاسخ دقیق بدهد، که در این دانش تخصص داشته باشد.
ویژگی های فلسفه	فلسفه در موضوع و روش با دانش های دیگر فرق دارد. موضوع فلسفه بنیادی ترین و اساسی ترین موضوعات است. روش استدلال در فلسفه استدلال قیاسی است

۴- اگر بخواهیم رابطه « تفکر » با « تفکر فلسفی » را به صورت دو دایره ترسیم کنیم، این دو دایره به شکل کدام یک از

صورت های زیر خواهد بود، چرا؟



پاسخ قسمت وسط می باشد زیرا بین تفکر و تفکر فلسفی رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است یعنی هر تفکر فلسفی ، تفکر است اما بعضی تفکرها، فلسفی هستند و بعضی تفکرها، فلسفی نیستند ولذا دایره تفکر، اعم (بزرگتر) از دایره تفکر فلسفی است. در میان عبارات های زیر، عبارات های صحیح را انتخاب کنید.

الف) تفکر فلسفی، تفکر در حوزه فطرت اول و فلسفه تفکر در حوزه فطرت ثانی است، نادرست

ب) تفکر دو قلمرو دارد؛ تفکر در حوزه فطرت اول و تفکر در حوزه فطرت ثانی، درست

ج) تفکر فلسفی و فلسفه، هر دو در حوزه فطرت ثانی قرار می گیرند، درست

د) در فلسفه هم تفکر فلسفی صورت می گیرد، اما به شکل نظام مند و تخصصی، درست

ه) کسی که به تفکر فلسفی رسید، دیگر نیازی به تفکر در حوزه فطرت اول ندارد، نادرست

۶- فلسفه، از چه جهت با ریاضیات اختلاف دارد و از چه جهت مشترک است؟ مشترک از جهت روش - مختلف از جهت موضوع

درس اول فصل اول : چیستی فلسفه

سوالات تشریحی

- ۱- سه نمونه از نمونه سوال های اساسی و بنیادی که گاه و بی گاه در میان انبوه افکار و اندیشه های روزانه خودنمایی می کنند و ساعاتی طولانی ما را به تفکر وادار نمایند، نام ببرید .
مقصود ما از آزادی چیست؟ از برابری چه منظوری داریم؟ آیا اصولاً می توان آزادی را با برابری جمع کرد؟
(نمونه های دیگر: اگر هرکس آزاد باشد هر طور که می خواهد زندگی کند، آیا نتیجه این نخواهد شد که آدم ها در وضعیت نابرابر قرار گیرند؟ چرا درد و رنج هست؟ خوشبختی و سعادت در گرو چیست؟ آیا می توان به آن رسید؟ سرانجام ما انسان ها چه می شود؟ آغاز و انجام جهان چگونه است؟ عشق و دوستی چطور؟ آیا اینها امور واقعی و مقدس اند؟ یا امور خیالی و ذهنی؟ اصولاً انسان و حقیقت انسانی چیست؟ آیا اختیار دارد یا مجبور است؟ چه هدفی را باید در دنیا دنبال کرد؟)
- ۲- هر سؤالی که برای ما پیش می آید، گویای چه چیزی است ؟
گویای آن است که چیزی را نمی دانیم و به دنبال دانستن آن هستیم
- ۳- وقتی که از خود می پرسیم « امروز به کجا باید بروم به کتابخانه یا به ورزشگاه و یا » به چه معناست ؟
بدین معناست که هنوز نمی دانیم کدام را باید انتخاب کنیم و به دنبال دانستن آن هستیم.
- ۴- مراحل اندیشه ورزی و تفکر در انسان را به ترتیب بنویسید.
روبه رو شدن با مسئله - طرح سوال - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به پاسخ
- ۵- دو مرتبه تفکر در انسان را نام ببرید. تفکر غیر فلسفی - تفکر فلسفی
- ۶- مقصود از تفکر غیر فلسفی چیست ؟
زمانی که انسان با همان سؤال های معمولی و روزانه روبه روست و به دنبال پاسخ آنهاست. (مرحله اول تفکر)
- ۷- مقصود از تفکر فلسفی چیست ؟
اگر انسانی از مرحله اول تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤال های دسته دوم (سوال های اساسی و بنیادی) پرداخت، وارد مرتبه دوم تفکر شد .

۸- تفاوت تفکر غیر فلسفی و تفکر فلسفی در چیست؟ آن را بنویسید.

در تفکر غیر فلسفی انسان با همان سؤال‌های معمولی و روزانه روبه‌روست و به دنبال پاسخ آنهاست. (مرحله اول تفکر) اما تفکر فلسفی زمانی است که انسان از مرحله اول تفکر عبور می‌کند و با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دسته دوم (سؤال‌های اساسی و بنیادی) می‌پردازد و وارد مرتبه دوم تفکر می‌شود.

۹- چه زمانی می‌توان گفت که انسان وارد مرحله تمرین تفکر فلسفی شده است؟

اگر انسان با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دسته دوم (سؤال‌های اساسی و بنیادی) بپردازد و آنها را جدی بگیرد و به دنبال یافتن پاسخ آنها برآید در حال تمرین تفکر فلسفی شده است، حتی اگر یک کارگر یا فیزیک دان یا پزشک یا دانشجو و دانش آموز باشد.

۱۰- مراحل تفکر فلسفی در انسان را به ترتیب بنویسید.

رو به رو شدن با مجهول‌ها و مسئله‌های فلسفی - طرح پرسش‌های فلسفی - رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها و انتخاب معلومات مناسب با سؤال - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت

۱۱- مقصود ملاصدرا از فطرت اول و فطرت دوم چیست؟

«فطرت اول»: مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها

«فطرت دوم»: ورود به پرسش‌های اساسی و تفکر در آنها (مرحله عالی و برتر)

۱۲- مطابق نظر ملاصدرا، ماندن در کدام قلمرو فطرت، شایسته انسان نیست و رسیدن به کدام قلمرو مطلوب اوست؟

ملاصدرا، فطرت اول را شایسته انسان نمی‌داند و از انسان‌ها می‌خواهد که بکوشند از فطرت اول عبور کنند و به فطرت ثانی که مرحله‌ای برتر و عالی‌تر است، برسند.

۱۳- چه عاملی باعث ظهور فلسفه شده است؟

تلاش‌های بشر برای پاسخ قانونمند به سؤال‌های اساسی و بنیادی موجب ظهور دانشی به نام فلسفه شده است. از همان آغازین روزهای حیات فکری انسان، افرادی به اهمیت پرسش‌ها اساسی و بنیادی پی بردند و با دقت و تأمل فراوان، برای دستیابی به پاسخ صحیح تلاش کردند.

۱۴- ریشه لفظ فلسفه چیست و به چه معنا است؟ دی ۸۳ (ریشه یونانی لفظ فلسفه چیست و به چه معنا است) شهریور ۸۴

فلسفه ریشه یونانی دارد و معرب کلمه فیلسوفیا به معنای دوستداری دانایی است.

۱۵- معنی اصلی و معنی ارتقا یافته دو واژه « فیلسوفیا » و « فیلسوفوس » را بنویسید.

معنی اصلی فیلسوفیا: دوستداری دانایی و معنای ارتقایی آن دانش .

معنی اصلی فیلسوفوس: دوستدار دانایی و معنای ارتقایی آن دانشمند .

۱۶- سوفیست‌ها چه کسانی بودند و چه عقیده ای داشتند؟

برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نبوده و می گویند هر کس هر چه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است.

۱۷- لفظ سوفیست چیست و به چه معناست و عقیده‌ی آنها را بیان کنید. دی ماه ۸۵

دانشمند . برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نبوده و می گویند هر کس هر چه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است.

۱۸- سوفیست در ابتدا به چه معنا بود؟ سپس چه معنایی به خود گرفت ؟ شهریور ۸۱

در ابتدا به معنی دانشمند به کار رفت ولی به تدریج مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم مغالطه کار به خود گرفت.

۱۹ - معنای کلمات فیلسوفوس، سوفیست، سفسطه را بنویسید. دی ماه ۸۱ دوستدار دانایی ، دانشمند ، مغالطه کاری

۲۰ - چرا سقراط مایل نبود او را سوفیست بنامند و او خود را چه نامید؟ دی ماه ۸۲

تواضع و فروتنی - هم ردیف نشدن با سوفیست ها - خود را فیلسوفوس یعنی دوستدار دانایی نامید.

۲۱ - سیر تاریخی کاربرد فلسفه را به ترتیب بنویسید .

فلسفه به معنای دوستداری دانایی - فلسفه به معنای مطلق دانش - فلسفه به معنای دانش خاص

۲۲ - اساسا هر دانشی از دو جهت از سایر دانش ها متمایز و جدا می شود. آن دو جهت کدامند؟

از جهت موضوعی که آن دانش درباره آن بحث می کند. - از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می گیرد

۲۳ - علوم مختلف و فلسفه هر کدام موجودات را از جهت موضوع چگونه بررسی می کند؟

هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می کند. دانش ریاضیات درباره مقدار و کمیت است. شیمی درباره ساختمان مواد و

ترکیب میان آنهاست. اخلاق درباره چگونگی کسب فضیلت ها و دوری از بدی هاست. سایر علوم نیز هر کدام به موضوعی

خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می پردازند و بحث می کنند.

اما فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین موضوعات جهان و انسان است و پاسخ گوی عمیق ترین دغدغه های بشری است.

۲۴ - موضوع فلسفه اولی با موضوع سایر علوم مقایسه نماید.

سایر علوم هر کدام به موضوعی خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می پردازند و بحث می کنند.

اما فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین موضوعات جهان و انسان است و پاسخ گوی عمیق ترین دغدغه های بشری است.

۲۵ - فیلسوف در چه امور و مسائلی کاوش می کند ؟ و این امور چه اهمیتی در سایر علوم مختلف دارند ؟

فیلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند و اینها اموری هستند که پایه و اساس سایر علوم به

شمار می آیند.

۲۶ - فلسفه عهده دار بررسی چه مسائلی است ؟

دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند سؤال های اساسی و بنیادی است.

۲۷ - دانش فلسفه چه تفاوتی با سایر دانش ها دارد ؟

فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند .

۲۸ - تفاوت روش فلسفه با علوم مختلف مانند شیمی و جامعه شناسی و اقتصاد به هنگام کسب دانش را بنویسید.

برای کسب دانش در علوم مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی، اقتصاد و جامعه شناسی از روش های تجربی استفاده

می کنیم. اما در مسائل فلسفی فقط باید به توانایی عقل و استدلال های عقلی تکیه کرد و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل

دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شد.

۲۹ - روش تفکر فلسفی چگونه روشی است ؟ توضیح دهید.

در مسائل فلسفی که به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند، نمی توان از حواس یا آزمایش بهره برد و یا از ابزاری

مانند میکروسکوپ و تلسکوپ کمک گرفت. در این موارد فقط باید به توانایی عقل و استدلال های عقلی تکیه کرد و با تفکر و

تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شد.

۳۰ - چرا مسائل فلسفی از جهت روش شبیه به مسئله های ریاضی هستند ؟

زیرا میکروسکوپ و آزمایشگاه و تجربه و حواس به حل آنها کمکی نمی کنند و فقط با عملیات فکری می توان به حل

آنها پرداخت.

۳۱- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- الف) یکی از ویژگی های انسان
ب) واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ ها ۲- پرسشگری
ج) مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها ۳- فطرت دوم
د) مرحله عالی و برتر ۴- تفکر

جواب: الف) ۲ (ب) ۴ (ج) ۱ (د) ۳

۳۲- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- الف) فقط با عملیات فکری می توان به حل آنها پرداخت و شبیه به مسائل ریاضی اند ۱- فیلسوفیا
ب) دوستداری دانایی ۲- سوفیست
ج) برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نیست. ۳- سخنوری و وکالت
د) سوفیست ها به تعلیم آنها اشتغال داشتند. ۴- مسائل فلسفی
و) دوستدار دانایی ۵- دانشمند
ه) رفته رفته کلمه فیلسوف به این مفهوم ارتقا پیدا کرد. ۶- فیلسوفوس

جواب: الف) ۴ (ب) ۱ (ج) ۲ (د) ۳ (و) ۶ (ه) ۵

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- یکی از ویژگی های انسان چیست؟ پرسشگری
- ۲- واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ ها چیست؟ تفکر
- ۳- مرحله اول تفکر که انسان در آن با سؤال های معمولی و روزانه روبروست و به دنبال پاسخ آنهاست، کدام است؟
تفکر غیر فلسفی
- ۴- مرحله دوم تفکر که انسان در آن با جدیت و پیوسته به سؤال های سوال های اساسی و بنیادی می پردازد، چه نامیده می شود؟ تفکر فلسفی
- ۵- فطرت اول را در یک سطر توضیح دهید. مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها
- ۶- فطرت دوم را در یک سطر توضیح دهید. ورود به پرسش های اساسی و تفکر در آنها
- ۷- مطابق دیدگاه ملاصدرا، مرحله ای برتر و عالی تر فطرت به شمار می رود؟ فطرت دوم

- ۸- دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند چه مسائلی است؟ مسائل و سؤال های مربوط به موضوعات اساسی و بنیادی
- ۹- کلمه فیلسوفیا مرکب از چند کلمه و هر کدام به چه معناست؟ دو کلمه فیلو به معنی دوستداری و سوفیا به معنی دانایی
- ۱۰- کدام فیلسوف یونانی، واژه فلسفه (فیلسوفیا) را بر سر زبانها انداخت و عمومی کرد؟ سقراط
- ۱۱- دانشمندان زمان سقراط و قبل از وی، خود را چه می نامیدند؟ الف (فیلسوفیا ب) سوفیست جواب: ب
- ۱۲- سوفسطائیان چه علمی را ترویج می کردند. نام ببرید. شهریور ۹۷ سخنوری و وکالت
- ۱۳- مهمترین هدف سوفیست ها چه بود و برای رسیدن به این مقصود از چه روشی استفاده می کردند؟
- پیروزی بر رقیب - مغالطه

- ۱۴- کلمه ی «سفسطه» از چه لفظی گرفته شده و معنای رایج آن چیست؟ سوفیست - مغالطه کاری
- ۱۵- سقراط به دو دلیل مایل نبود او را سوفیست بنامند. یکی از دلایل آن را بنویسید. شهریور ۹۳
- تواضع و فروتنی - هم ردیف نشدن با سوفیست ها
- ۱۶- چه زمانی بر هر یک از شاخه های دانش نام ویژه ای گذاشته شد و کلمه فلسفه برای چه نوع دانشی به کار رفت؟
- با گذشت زمان و پیشرفت دانش های مختلف - به تدریج کلمه فلسفه فقط برای همین دانش خاص به کار رفت.

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- یکی از ویژگی های انسان است. پرسشگری
- ۲- واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ ها است. تفکر
- ۳- بدون کاری از انسان ساخته نیست. تفکر
- ۴- مرحله اول تفکر که انسان در آن با سؤال های معمولی و روزانه روبروست و به دنبال پاسخ آنهاست، نام دارد.
- تفکر غیر فلسفی
- ۵- مرحله دوم تفکر که انسان در آن با جدیت و پیوسته به سؤال های سوال های اساسی و بنیادی می پردازد،
- به معروف است. تفکر فلسفی
- ۶- مقصود ملاحظه از همانا مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها است. فطرت اول
- ۷- طبق دیدگاه ملاحظه، ورود به پرسش های اساسی و تفکر در آنها مربوط به است. فطرت دوم
- ۸- مطابق دیدگاه ملاحظه، مرحله برتر و عالی تر فطرت به شمار می رود. فطرت دوم
- ۹- لفظ فلسفه معرب کلمه فیلسوفیا به معنای است. خرداد ۹۸- دوستداری دانایی
- ۱۰- معنای اولیه لفظ فلسفه بود. دی ۹۴- دوستداری دانایی
- ۱۱- فیلسوف بزرگ یونانی، واژه فلسفه (فیلسوفیا) را بر سر زبانها انداخت و عمومی کرد. سقراط
- ۱۲- معنای کلمه فلسفه به تدریج ارتقا پیدا کرد و مترادف با شد. خرداد ۹۵ دانش یا دانایی

- ۱۳- کلمه فیلسوفوس که در اصل به معنی دوستدار دانایی بود رفته رفته به مفهوم ارتقاء یافت و کلمه فلسفه مرادف با شد. شهریور ۸۳ - دانشمند، دانش
- ۱۴- کلمه سفسطه در زبان عربی از لفظ ... گرفته شده و اکنون معنای رایج آن ... است. خرداد ۸۷
سوفیست - مغالطه کاری
- ۱۵- لفظ یونانی ای که در آغاز به معنای دانشمند بود و به تدریج معنای آن تنزل یافت می باشد. خرداد ۸۳
سوفیست
- ۱۶- اکنون معنای رایج کلمه سفسطه است. دی ماه ۸۹ مغالطه کاری
- ۱۷- لفظ سوفیست اکنون به معنای است. خرداد ماه ۹۳ مغالطه کار
- ۱۸- دغدغه برخی از سوفیست ها، که بیشتر به تعلیم و اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود.
سخنوری - وکالت
- ۱۹- پیروزی بر رقیب مهم ترین هدف بود. سوفیست ها
- ۲۰- استدلال هایی که ظاهراً درست اما واقعاً غلط هستند، نامیده می شوند. خرداد ۹۴- مغالطه یا سفسطه
- ۲۱- به علت تواضع و فروتنی مایل نبود او را سوفیست بنامند و وی خود را نامید. سقراط - فیلسوفوس
- ۲۲- تلاش های بشر برای پاسخ به سؤال های ویژه و اساسی موجب ظهور دانش فلسفه گشته است. قانونمند
- ۲۳- فلسفه درباره ... و ... مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند. بنیادی ترین - نهادی ترین
- ۲۴- فیلسوف در اصل و ... جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند. وجود - حقیقت
- ۲۵- مسئله های فلسفی مانند مسئله های، فقط با عملیات می توان به حل آنها پرداخت. ریاضی - فکری

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- بشر از طریق ایجاد جامعه های صنعتی، مصیبت های بزرگی برای محیط زیست پدید آورده است. درست
- ۲- عدالت مهم ترین عامل دوام و بقای جامعه به شمار می آید. درست
- ۳- برخی اعتقاد دارند که نظریه های علمی پیوسته تغییر نمی کنند. نادرست
- ۴- یکی از ویژگی های انسان پرسشگری است. درست
- ۵- نمی توان گفت که بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست. نادرست
- ۶- در میان انبوه افکار، مسئله ها، و اندیشه های روزانه گاه و بی گاه برقی از سؤال های خاصی خودنمایی می کنند و ما را به تفکر وا می دارند. درست
- ۷- تفکر، واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسشی ها به پاسخ هاست. درست

۸- مرحله دوم تفکر که انسان در آن با سؤال های معمولی و روزانه روبروست و به دنبال پاسخ آنهاست تفکر فلسفی نام دارد. نادرست

۹- مرحله اول تفکر که انسان در آن با جدیت و پیوسته به سؤال های سوال های اساسی و بنیادی می پردازد، به تفکر فلسفی معروف است. نادرست

۱۰- مقصود ابن سینا از فطرت اول همانا مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها است. نادرست

۱۱- طبق دیدگاه ملاصدرا، ورود به پرسش های اساسی و تفکر در آنها مربوط به فطرت اول است. نادرست

۱۲- مطابق دیدگاه سقراط، فطرت دوم مرحله برتر و عالی تر فطرت به شمار می رود. نادرست

۱۳- تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سؤال های اساسی موجب ظهور دانش « فلسفه » شده است. درست

۱۴- فلسفه فقط درباره بنیادی ترین و نهادهای ترین موضوعات زندگی انسان بحث می کند. نادرست

۱۵- دانشمند علم تجربی در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند. نادرست

۱۶- مسائل فلسفی را می توان از طریق حواس یا آزمایش یا جست و جو در طبیعت حل کرد و پاسخ داد. نادرست

۱۷- مسائل فلسفی مانند مسائل ریاضی نیستند که فقط با عملیات فکری می توان به حل آنها پرداخت. نادرست

۱۸- لفظ فلسفه معرب کلمه " فیلسوفوس " به معنای "دوستدار دانایی" است. شهریور ۸۸ - دی ۹۷ نادرست

۱۹- لفظ فلسفه معرب کلمه فیلسوفیا و به معنی دوستداری دانایی است. خرداد ۹۲- درست

۲۰- لفظ یونانی " فیلسوفیا" به معنای " دوستدار دانش" می باشد. شهریور ۸۷ نادرست

۲۱- فیلسوفوس به معنای "دوستدار دانایی" رفته رفته به مفهوم مغالطه کار تبدیل شد دی ۸۸ نادرست

۲۲- کلمه فیلسوفوس به تدریج مرادف با دانشمند شد و کلمه فلسفه مرادف با دانش شد. خرداد ۸۹ درست

۲۳- کلمه فیلسوفوس به تدریج مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم مغالطه کار به خود گرفت خرداد ۹۰ نادرست

۲۴- افلاطون به علت تواضع و فروتنی مایل نبود او را سوفیست بنامند. شهریور ۹۱- نادرست

۲۵- سقراط به علت تواضع و فروتنی مایل نبود او را سوفیست بنامند. دی ۹۳- شهریور ۹۴- درست

۲۶- سقراط به علت تواضع و فروتنی تمایل نداشت او را سوفیست بنامند. شهریور ۹۶- درست

۲۷- اکنون معنای رایج سوفیست، مغالطه کار است. خرداد ۹۷ درست

۲۸- لفظ « فلسفه» ریشه یونانی دارد و از کلمه سوفیست گرفته شده است. شهریور ۹۷ نادرست

۲۹- دغدغه برخی از سوفیست ها، که بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت بود. نادرست

۳۰- پیروزی بر رقیب مهم ترین هدف سقراط بود. نادرست

۳۱- استدلال هایی که ظاهرا درست اما واقعا غلط هستند مغالطه یا سفسطه نامیده می شوند. درست

۳۲- فیلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند. درست

سوالات تستی

۱- مراحل اندیشه ورزی و تفکر در انسان به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

گزینه ۱

- ۱) روبه رو شدن با مسئله - طرح سوال - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به پاسخ
- ۲) طرح سوال - روبه رو شدن با مسئله - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به پاسخ
- ۳) روبه رو شدن با مسئله - تفکر در اندوخته ها - طرح سوال - رسیدن به پاسخ
- ۴) طرح سوال - روبه رو شدن با مسئله - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به پاسخ

۲- کدام عبارت در مورد تفکر فلسفی درست نیست؟

گزینه ۲

- ۱) عبور از مرتبه اول تفکر و طرح پرسش های جدی و رسیدن به پاسخ
- ۲) رو به رو شدن با سوال های معمولی و روزانه و رسیدن به پاسخ
- ۳) با جدیت و پیوسته به سوال های دسته دوم پرداختن و رسیدن به پاسخ
- ۴) رو به رو شدن با مسایل اساسی و بنیادی و رسیدن به پاسخ

۳- مراحل تفکر فلسفی در انسان به ترتیب در کدام گزینه دقیق تر بیان شده است؟

گزینه ۳

- ۱) رو به رو شدن با مسئله های فلسفی - طرح پرسش ها - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت
- ۲) طرح پرسش - رو به رو شدن با مسئله های فلسفی - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت
- ۳) رو به رو شدن با مسئله های فلسفی - طرح پرسش های فلسفی - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت
- ۴) طرح پرسش - رو به رو شدن با مسئله های فلسفی - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت

۴- همه گزینه ها بیانگر نظر ملاصدرا است بجز گزینه

گزینه ۳

- ۱) مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها را فطرت اول می گویند.
- ۲) ماندن در فطرت اول شایسته انسان نیست و انسان ها باید بکوشند که از فطرت اول عبور کنند.
- ۳) انسان ها باید سعی کنند که به فطرت اول که مرحله ای برتر و عالی تر است، برسند.
- ۴) فطرت دوم پرسش های اساسی برای انسان ایجاد می کند، که سبب می شود درباره آنها بیاندیشد.

۵- کدام عبارت منظور ملاصدرا از « مرحله برتر و عالی تر » را بیان می کند؟

گزینه ۲

- ۱) فطرت اول
- ۲) فطرت دوم
- ۳) تفکر غیر فلسفی
- ۴) فلسفه مضاف

۶- نظر سوفیستها این بود که..... (سراسری ۹۳)

گزینه ۴

- ۱) انسان همواره در ادراکات خود دچار خطا است.
- ۲) انسان قادر به تشخیص درستی یا نادرستی ادراکاتش نیست.
- ۳) ما فقط از واقعیاتی آگاه می شویم که آنها را درک می کنیم.
- ۴) واقعیت تابع درک انسان است، نه درک انسان تابع واقعیت

۷- پیش از سقراط، کسانی که خود را می دانستند، معیار را می گرفتند. (خارج کشور ۹۲) گزینه ۴

گزینه ۴

- ۱) فیلسوف - حقیقت - ادراک آدمی
- ۲) سوفیست - ادراک انسان - حواس او
- ۳) دانشمند - برخی واقعیات را - حواس آدمی
- ۴) دانشمند - حقیقت - درک شخصی فرد

۸- کلمه « سوفیست » آن گاه مفهوم اصلی خود را از دست داد که استدلال های ظاهراً ... و واقعاً ... به کار گرفته شد

گزینه ۳

و تحقق پیدا کرد. (خارج کشور ۹۰)

- ۱) درست - غلط - جدل
- ۲) غلط - درست - جدل
- ۳) درست - غلط - سفسطه
- ۴) غلط - درست - سفسطه.

۹- تفاوت علوم، در اصل به کدام مولفه باز می گردد؟ (خارج کشور ۹۵)

گزینه ۱

- ۱) موضوع
- ۲) روش
- ۳) مسائل
- ۴) مفاهیم

۱۰- دغدغه برخی سوفیست ها که بیشتر به اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از نبود و مهم ترین هدف آنان

..... بود ، از این رو در استدلال های خود بیشتر از کمک می گرفتند .

گزینه ۱

- (۱) تعلیم سخنوری و وکالت - حقیقت - پیروزی بر رقیب - مغالطه (۲) تکمیل شیوه های استدلال - حقیقت - پیروزی بر رقیب - جدل
(۳) گفتگوهای استدلالی - حقیقت - پیروزی بر رقیب - مغالطه (۴) تعلیم سخنوری و وکالت - حقیقت - پیروزی بر رقیب - جدل

گزینه ۱

۱۱- کدام عبارت درست نیست ؟

- (۱) چگونگی کسب فضیلت ها یک مساله فلسفی است، بنابراین علوم تجربی جای بررسی و طرح آن نیست.
(۲) مسائل فلسفی، از جهت روش، مانند مسائل ریاضی هستند که فقط با عملیات فکری و استدلالی می توان به جواب آنها دست یافت.
(۳) مسایل هر علمی ، تابع موضوع آن علم است و با تغییر موضوع ، مسائل علم نیز تغییر می کند.
(۴) فیلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند و اینها اموری اند که پایه و اساس سایر علوم به شمار می آیند..

۱۲- اساسا هر دانشی از چند جهت از سایر دانش ها متمایز و جدا می شود و این جهات در کدام گزینه آمده است ؟

- (۱) دو - روش - هدف (۲) دو - موضوع - روش (۳) سه - هدف - روش - موضوع (۴) دو - موضوع - هدف - روش

۱۳- با توجه به نسبت های چهارگانه در منطق ، رابطه « تفکر » و « تفکر فلسفی » در کدام گزینه به شکل درست بیان شده

است ؟ گزینه ۱



(۲) عموم و خصوص من وجه -



(۱) عموم و خصوص مطلق

(۴) عموم و خصوص مطلق -



(۳) عموم و خصوص من وجه

۱۴- تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سؤال های ویژه و اساسی موجب ظهور دانشی به نام..... شد. گزینه ۴

- (۱) منطق (۲) ریاضیات (۳) فلسفه (۴) فلسفه های

گزینه ۱

۱۵- تفاوت اساسی فلسفه با سایر دانش ها در کدام گزینه دقیق تر بیان شده است ؟

- (۱) فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند.
(۲) سایر دانش ها درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند.
(۳) سایر دانش ها ، در هر موضوعی به دنبال نهایی ترین پرسش ها درباره چیستی و چرایی امور هستند .
(۴) فلسفه را نمی توان از طریق حواس یا آزمایش یا جست وجو در طبیعت حل کرد و پاسخ داد .